

خصوص گندمیکه و کیل رعایا نوشته بودند حاضر میکنیم عوم تعرض کردند که از و کیل استیضاح نمیشود خواست .

**ادیبالتجار** - چرا نمیکذارید آدم حرف خودش را بزند بنده استیضاح خواهم خواست میخواهم بدانم درخصوص بیست هزار خروار گندمیکه گفتند تا فرجه جمادی الاول وارد میکنیم چه اقدامی کرده اند و مسئولان تهران وکیل است یا وزیر است مسئول کیست ؟

**وکیل رعایا** - بنده تشکر دارم از اینکه شما بنده را معاف نکردید بنده اگر قصوری کرده باشم ولیکن عرض میکنم در هر صحنه که بنده نوشته ام نوشتم از فرجه جمادی الاولی بعد بنده وارد میکنم و برای اینکار اقدامات کرده ام و شما اطمینان میدهم که بیست هزار خروار را حاضر کرده ام و وارد خواهد شد فقط زحمتیکه بنده میرسد بواسطه کمی مال است و به راهی شما آنهم تهیه میشود .

**ادیبالتجار** - لفظی که رئیس فرمودند فرمودند تا فرجه جمادی الاولی و این مخالف است با اینکه شما فرمودید مگر آنکه اگر برای اشتغال باین عمل شما در موقع انعقاد مجلس میتوانید حاضر شوید تصور میکنم و کلا اجازه بدهند و شمارا جزء غائبین محسوب ندارند .

**وکیل رعایا** - اولاً باید بدانید که روز فرجه جمادی الاولی بیست هزار خروار لازم نیست دیگر آنکه از روز غره متدرجاً وارد میشود .  
**رئیس** - در باب جلسه فردا رأی میگیریم هر کس موافقت دارد قیام نماید .  
**رئیس** - اکثریت است پس فردا دو ساعت ونیم غروب تشریف خواهند آورد (مجلس ختم شد)

**جلسه ۸۳**

**صورت مشروح مجلس روز شنبه**

**۱۲ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۸**

مجلس دو ساعت ونیم قبل از غروب آفتاب برپاست آقای مستشارالدوله تشکیل شد .

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۰ را آقای معاضدالملک قرائت نمود .

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظه هشت (اظهاری نشد- رئیس صورت مجلس را امضاء نمود) راپورت کمیسیون عرایض قرائت شد که کمیسیون بواسطه تکمیل نبودن عده و عد اکثریت شروع بکار نکرده تا روز یکشنبه ۶ که جلسه منعقد و آقای میرزا علی اکبرخان دهخدا با اکثریت ۴ رأی نلیب رئیس وادیبالتجار به مخبری منتخب شدند و از شعبه اول آقای آقا شیخ اسمعیل هشرودی را انتخاب نمودند و ایشان استعفا داده تا کنون از شعبه اول منتخب نیامده است .

**رئیس** - شعبه اول بکنفران باید انتخاب نمایند .

**وحیدالملک** - ما از شعبه اول یکدفعه آقای آقا شیخ اسمعیل آقا را انتخاب کردیم و فرستادیم .

**رئیس** - گویا ایشان استعفا دادند .

**وحیدالملک** - بنده عرض میکنم شعبه دیگر نمیتواند تجدید انتخاب کند .

**آقا شیخ اسمعیل هشرودی** - بنده همان روز که مرا انتخاب کردند در شعبه و در یک مجلس علنی عرض کردم که نمی توانم در دو کمیسیون کار کنم بنده در کمیسیون عدلیه هستم و کارم خیلی است .

**وحیدالملک** - بنده عرض کردم که در شعبه فقط دو نفر قابل انتخاب هستند یکی آقای آقا شیخ اسمعیل آقا و یکی آقای صدرالعلماء آقای صدرالعلماء استعفا دادند یعنی متعذر شدند که نمیتوانم این بود که آقا شیخ اسمعیل آقا را انتخاب کردیم حالا اگر ایشان هم قبول نکنند دیگر تکلیفی نداریم .

**رئیس** - از آقایان شعبه چهارم خواهش می شود که جلسه خود را تشکیل نمایند که بزودی آنکار که بآنجا رجوع شده است تمام شود .

**آقامیرزا ابراهیم خان** - بنده راجع بکمیسیون عرایض عرض دارم می خواهم از حضرت رئیس سؤال کنم که فایده تأسیس کمیسیون عرایض چه چیز است .

**رئیس** - معلوم می شود مطلبی دارید .  
**میرزا ابراهیم خان** - چون می بینم نتیجه بر آن کمیسیون قریب نیست .

**ادیبالتجار** - کمیسیون عرایض سابق البته نتایج کارهایش را آقایان دیده اند کمیسیون عرایض حالیه هم همانطوریکه در راپورت نوشته شده است از روز یکشنبه که اعضاء منتخب جمع شدند تشکیل شده و تا امروز جلسات فوق العاده تشکیل شده و عرایض جدید خیلی بکمیسیون رسیده است و به همانطوری که در نظامنامه داخلی مجلس نوشته شده عرایضی که به کمیسیون می رسد بعضی را به کمیسیونها می فرستند و بعضی را بوزارتخانه رجوع میکنند که نتیجه اقدامات خودشانرا بفرستند و بعضی هم بلا جواب می ماند برای آنکه عرایضی است که جواب ندارد .

**رئیس** - از وزارت عدلیه راپورت کارها را دو ماهه آن رسیده است از سایر وزارتخانه ها هم می رسد [ راپورت کمیسیون معارف راجع بقانون اساسی معارف قرائت شد ]

**رئیس** - چون چند روز است طبع و توزیع شده البته آقایان مطالعات خود را کرده اند حال در کلیات مباحثه میشود آقایانی که در کلیات فواید مباحث دارند می فرمایند بپردازند داخل شور مواد می شویم (گفته شد مخالفی ندارد) .

**رئیس** - پس رأی می گیریم هر کس تصویب می کند که کلیات اینقانون مباحثه لازم ندارد و باید داخل شور مواد شویم قیام نمایند .

[اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد]  
**رئیس** - با اکثریت تصویب شد که داخل شور مواد شویم شروع بشود در مواد شد .

در ماده اول - کلمه ادارات مبدل بتاسیسات شد در ماده دوم که نوشته بود پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می گردد و باید در پروگرام حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نماهای بدنی ملحوظ باشد .

**آقای مؤتمن الملک** - از فرار ذیل پیشنهاد نمود .

این بنده پیشنهاد می نماید که ماده [۹] و ۹۰ لایحه وزارت معارف به ماده دوم راپورت کمیسیون بطور ماده الحاقیه ضمیمه شود .

ماده ۹۰ - مدارس شخصی باید همچنان تابع پروگرام رسمی بوده مطابق اهل العمل بالنعل از روی دستور دولتی مراتب خود را منظم و مقرر دارند ماده ۹۰ - مدرسه که برخلاف پروگرام رفتار کند یا استطاعت اجرای پروگرام را نداشته باشد مورد مؤاخذه خواهد شد وزارت علوم حقدارد در آن مدرسه را ببندد و مؤسسين و مدیرانیکه قصد تعلیمات خصوصی دارند باید پروگرام خودشانرا بتصویب وزارت معارف برسانند اطفالی که در منزل تحصیل می کنند تحصیلاتشان باید از روی پروگرام وزارت معارف باشد و اولیای اطفال مسئول خواهند بود .

**مؤتمن الملک** - مقصود بنده از این پیش- نهادی که تقدیم کرده ام اینست که پروگرام در مدارس باید اجباری باشد برای اینکه دولتی که تعلیم را اجباری میدانند باید پروگرام هم اجباری باشد مقصود بنده آن مدارس است که شخصی است و اگر نوشتن پروگرام را با اولیای مدارس واگذار کنیم [ زیرا آنها تمام اطراف کار و ترتیبات را که برای نوشتن پروگرام لازم است نمی دانند ] و شاید پروگرام صحیح نمی دانند بنویسند لکن در وزارت معارف البته اشخاص عالم آفی با اطلاع برای نوشتن هستند و با ملاحظه تمام اطراف پروگرام صحیح می نویسند و اگر بمدرسان و اولیای مدارس واگذار نمائیم اولاً شاید بد بنویسند و ثانیاً مدرسه امروز در این مملکت کسب است و برای دخل این مدارس را می کنند باینجهت پروگرام مفصلی می نویسند و برای تشویق مردم که اطفال خود را باین مدرسه بفرستند چیزها می نویسند در یکی از روزنامه ها دیدم که زنی برای مدرسه نسوان پروگرامی نوشته که در این مدرسه [ فیزیک شیمی و پانوازی و ژئولوژی تعلیم می شود ] و از نوشتن این پروگرام خجال نکشیده این است اشخاصی که در این مدارس برای تحصیل میروند مدتی وقت خود را صرف می نمایند بالاخره بدون اخذ نتیجه خارج می شوند و عمرشان مدتی بیهوده صرف شده معنی باید ملاحظه تمام اطراف را نموده و قانون را صحیح بنویسد مثلاً اطفالی که وارد مدرسه می شود ملاحظه مقدمات را بنمایند و بواسطه عجله که در طفل هست مقدمات تحصیل را ملاحظه نمیکند يك مدتی تحصیل نموده و برای او هیچ نتیجه نبخشیده این است که عرض میکنم باید پروگرامی که وزیر معارف می نویسد در تمام مدارس اجرا شود دیدم شخصی تاریخ شورش فرانسه را ترجمه کرده بود و دیگری نشان داد و گفت خیلی خوب است ولی خوب بود در چند سال قبل ترجمه کرده بودند نه در سنه ۱۸۵۲ که بحدوحه استبداد ناپلئون سیم بود آن شخص گفت بلی صحیح است الا اینکه ترجمه کرده ام و مدتی زحمت کشیده ام نمی توانم آن زحمات را بهدر داده دو باره ترجمه کنم غرض این است باید طووزی کرد که اطفال صحیحاً تحصیل کنند و بواسطه صحیح

نبودن پروگرام بعد از چند ساله بینه که به تحصیل کرده اند علاوه مردم این شهر منزلشان را اغلب از مجله به مجله تغییر میدهند و در مدرسه دیگر که وارد میشوند مدیران مدرسه بواسطه اختلاف پروگرام نمیدانند که آن طفل را بکدام کلاس داخل نمایند این است که مجبور میشود طفل را مجبور کند از مرتبه ابتدائی آن مدرسه تحصیل نماید این ترتیب باعث زحمت اطفال میشود و اگر پروگرام تمام مدارس یکی باشد تمام این زحمات رفع میشود این است که بنده گفتم ماده ۵۹ بلاجه وزیر که نوشته است پروگرام با بد اجباری باشد ضمیمه ماده ۲ راپورت کمیسیون شود و ضمناً در آنجا قید شده است که اگر هم مدیران و اولیای مدارس خودشان بخواهند پروگرام بنویسند باید بنظر وزارت معارف برسانند و البته بهتر این است که پروگرامی هم که خودشان می نویسند بنظر وزارت معارف برسد که اگر ملاحظه داشته باشند در آنجا ملحوظ نمایند .

**وحیدالملک** - اینجا دو نقطه نظر است یکی اینکه پروگرام اجباری باشد و یکی اینکه آزاد باشد در اینکه پروگرام مدارس دولتی اجباری است حرفی نیست در این راپورت هم مطرح شده است حرف در این است که پروگرام مدارس خصوصی هم اجباری باشد یا اینکه آزاد باشد کمیسیون در ماده ۵۹ وزیر خیلی مذاکره کرد و نظرات بیان کرد بالاخره نظرش بر این قرار گرفت که پروگرام تحصیلات را اجباری نکرد و شاید نقطه نظر آقای مؤتمن الملک که میفرمایند باید پروگرام اجباری باشد که شاید پروگرام که سایرین رای مدارس خصوصی می نویسند جامع تر باشد تا پروگرام وزارت معارف از برای اینکه پروگرام را که وزارت علوم می نویسد یک حد افلی است که از برای مدارس عمومی می نویسند و پروگرامی که در خارج نوشته میشود چون بواسطه امتحانات بگونه رقابتی پیش می آید که هر کس سعی میشود که پروگرام مدرسه خود را جامع تر و بهتر بنویسد و میخواهد که نتایج آنرا بخوبی بیابد این است که بسا میشود از پروگرام وزارت علوم هم بهتر می نویسند اما ایرادی که در خصوص تغییر مکان شاگرد گفتند که شاگردی از یک مجلی بود به محل دیگر در مدرسه دیگر داخل شود مسلم است که اگر مدرسه دولتی باشد آن يك پروگرام مخصوص دارد و تمام آنها روی يك ترتیبی پیش میروند و اگر مدرسه خصوصی باشد وقتیکه ملاحظه کنیم می بینیم که آنها روی يك ترتیبی پیش میروند و اگر مدرسه خصوصی باشد وقتیکه ملاحظه کنیم می بینیم که آنها را در نظر دارند مثلاً تمام مدارس مجبورند که امتحان جغرافی بدهند لابد باید این عام را هم در آنجا تعلیم نمایند حالا در يك مدرسه يك کتاب را از درس میدهند و در مدرسه دیگر کتاب دیگر را از جغرافی که خارج نمیشود فرض در يك مدرسه بگنجد قریب درس میدهند و در مدرسه دیگر معلم دیگر طور دیگر درس میدهد از اصل مطلب که خارج نمیشوند منتهی سابقه مختلف است چنانچه خودمان دیدیم و به تجربه معلوم کردیم که بعضی از معلم ها اهمیت در نوشتن میدهند بعضی دیگر

اهمیت در قتر می دهند و در اینجا دو نقطه نظر تولید میشود یکی اینکه وضع تحصیلات را در مدارس خصوصی بگذاریم دست اشخاص مخصوص وقتیکه میخواهند مدرسه را تأسیس کنند مطابق قدرت و باندازه معارف پروری خود پروگرام بنویسند و یکی اینکه بگوئیم که تمام مدارس از دولتی و خصوصی باید از روی پروگرامی که دولت و وزارت معارف معین میکنند رفتار نمایند باید وضع مملکت را بداد اگر بایند مثل بعضی از ممالک که پروگرام آنها آزاد است اینجا هم مثل آنجا آزاد باشد و با اختیار موسسین مدارس باشد که تصویب شود و اگر باید اجباری و از روی پروگرام دولت باشد که آن طور تصویب شود بنده جدیدت درمچکدام این دو قسم ندارم .

**مؤتمن الملک** - بنده خیلی تعجب میکنم از این مغیر معتمد جنیدی قبل بن وعده دادند که از عقیده بنده در این باب تقویت و تأیید کنند بر عکس حالا که موقع شده است ضمیمت میکنند بنده عرض نکردم که کتاب در تمام مدارس باید یکی باشد عرض کردم در پروگرام يك مدرسه می نویسند که در اینجا تاریخ مصر باید خوانده شود و واضح است که تا اندازه تاریخ مصر و یونان برای مبتدی لازم است آنوقت بکنفر شارلاتان برای اینکه دخلی از برای خود فراهم کند مردم چیز هانشان می دهد که در کمال زودی شما هارا عالم می کنیم مثل اینکه در مسئله شرکت سابق معمول بود که مردم را گول می زدند می گفتند که ما میخواهیم پول بگیریم و کارخانه راه بیندازیم و منافعی بشما عاید خواهد شد همین طور در معارف هم این شیوه را پیش خواهند گرفت ولی مقنن باید ابتداء جلو گیری نماید بنده امروز میدانم که در این شهر ۴۸ مدرسه هست و تمام ورزشکست شده اند برای اینکه تمام مسئله گول است و شاگرد ها بیرون نمی روند از مدرسه مگر بی علم و ضایع در سایر ممالک ترتیب معارف مختلف است و در هر جایی يك نوع ترتیبی دارد فلان مملکت که پروگرام معارفش آزاد است برای این است که تا اندازه نتایجی را که باید از معارف بگیرد گرفته است و شاید بعد از چندین سال آزاد کرده است ولی بعقیده بنده برای وضع امروزه مملکت ما اگر پروگرام اجباری باشد بهتر خواهد بود .

**وحیدالملک** - بنده اولاً عرض می خواهم از اینکه بایشان وعده کرده بودم که عقیده ایشان را تأیید کنم ولی مقصود از عرض بنده این بود که خواستم توضیح بدهم که کمیسیون از چه نقطه نظر ماده ۵۹ وزیر را حذف کرده است و عرض کردم که ضمیمت با پیشنهاد آقای مؤتمن الملک ندارم .

**ذکاءالملک** - این مسئله خیلی غامض است و گمان می کنم که با این آسانی حل نشود اولاً مسئله اساسی است و باید ملاحظه کرد که مطابق قانون اساسی ما هست یا نیست و ثانیاً باید بدانیم که معنی آزادی پروگرام در تعلیم و تعلم چیست آزادی تعلیم معنی اینست که هر کس آزاد باشد که هر چه می خواهد و هر طوریکه می خواهد درس بدهد و معنی آزادی شد

تعلیم این است که هر چه هر کس بخواهد و هر طور میل داشته باشد درس بخواند و خیلی از اشخاص هستند که می گویند دولت باید مجبور کند مدارس را که پروگرام او را عمل کنند حالا این مصلحت است یا مصلحت نیست مسئله ایست علیحده ولی در این که مخالف است با آزادی تعلیم و تعلم حرفی نیست فرمودند که مدارس این شهر تمام ورزشکست هستند و هر کس از آنها بیرون می آید جاهل وی علم است بنده این را نتیجه این می دانم که دولت خودش تاکنون بکقدم برای ترقی معارف بر نداشته است دلیل این عرض بنده این است که در تمام مملکت يك مدرسه ابتدائی نمی بینیم که دولت تأسیس کرده باشد آنچه هست امروز مردمان مختلفه دائر کرده اند و دولت منتهی کاری که کرده است يك وقتی وزیر علومش يك سر کشی يك مدرسه کرده است یا اینکه بعضی از مدیران را خواسته است که اینطور بکنند و يك دستوری داده است و بزرگترین کاری که کرده است به بعضی مدارس مقداری اعانه داده است وقتی که دولت از خودش مدرسه داشت که از روی سابقه خود و پروگرامی که می نویسند اداره کرد آن وقت مسلم است که دیگران یا نمیتوانند مدارس ابتدائی اداره کنند یا اگر می کنند بهتر از دولت می کنند در ممالک مشروطه حقیقی آزادی تعلیم و تعلم است لیکن تمام پروگرامشان متفق است نه اینکه دولت آنها را مجبور کرده است که از روی پروگرام او عمل بکنند آنها هم را مجبور شده اند که مدارس را تأسیس میکنند از روی پروگرام دولت خود تأسیس کنند برای چه برای اینکه ما مورین و مستخدمین دولت باید دارای دیپلم دولتی باشند و دارای دیپلم دولتی نمیشود مگر وقتیکه از روی پروگرام دولت تحصیل کرده باشد وقتی که بنده مستخدمین از روی پروگرام دولتی تحصیل کنند و امتحان بدهند لابد بمدارس دولتی میروند وقتیکه اینطور شد صاحبان مدارس دیدند که کسی نمیرود در مدارس آنها که از روی پروگرامشان درس بخوانند مجبور شدند که پروگرام خود را تغییر بدهند آقای مؤتمن الملک در ضمن اظهارات خود فرمودند که چون تعلیم اجباری است باید پروگرام هم اجباری باشد بنده عرض می کنم این طور نیست معنی تعلیم اجباری این نیست که هر کس تمام علوم را تکمیل نماید بلکه باید دارای درجه ابتدائی تحصیلات باشد یعنی سواد مختصر خواندن و نوشتن و يك قدری سواد مختصر ریاضی و جغرافیائی دیگر دولت هیچ مدرسه را مجبور نمی کند که بارجا در فلان مسئله فلان طور باشد مدرسه در سایر جا ها هم کسب است لیکن چون می بینند که اگر شخصی از مدرسه بیرون بیاید ۳ دیپلم دولت را نگیرد آن شخص حقوقش باطل است نه مدرسه پروگرام دولت را عمل میکنند کسی بآن مدرسه میرود و حالا که این مسئله مطرح شد متوجه میکنم خاطر آقایان را که در این خصوص بقطعات دوچار پروگرام خواهیم شد بلکه دوچار زحمات تأسیسات مدارس هم خواهیم شد دیگر اینکه یاد آوری می کنم که اگر بخواهیم چیزی را بر این راپورت کمیسیون بیفزاییم یا الحاق کنیم ماده ۵۹ پیشنهاد وزیر را باید اضافه کنیم و يك چیز دیگری که گفته شد کمیسیون و بنده شخصاً متکرر هستم که حدی

**وکیل التجار** - اولاً بنده عرض می کنم این ترتیبی را که در آزادی مملکت فرمودند خوب است ولی نه برای حالی ما برای يك مدتی خیلی بعد از این یعنی برای وقتیکه ممالک مادارای يك مقامات خیلی عالی علمی باشد و معارف پیشرفته باشد آنچه که راجع بقانون اساسی است در اصل ۱۹ می گوید تأسیس مدارس بمخارج دولتی و ملی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و کتاب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد و گمان می کنم وقتی که از تحت ریاست وزارت معارف خارج شویم خیلی از چیزهایی که بکلی مخالف است با وضع امروزه دولت تدریس می شود و تا يك اندازه گمان ندارم که امروزه برای مملکت و دولت اشکالی داشته باشد که بگوئیم بطوریکه در ماده ۱۹ قانون اساسی مصرح است مدارس چه از طرف اشخاص باشد وجه دولتی که تحت يك پروگرام باشد که مردم متفقاً در تحت يك دستور عمل نمایند .

**مؤتمن الملک** - اولاً استدعا میکنم ماده ۵۹ ماده ۹ لایحه وزیر بماده ۲ ضمیمه شود تا ثانیاً نیز به شود و جزء جزء رای گرفته شود .

**رئیس** - قسمت اول قرائت شود (از قرائت ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می نمایم ماده ۹ و ۱۰ لایحه وزارت معارف بماده دوم راپورت کمیسیون بطور ماده العاقبه ضمیمه شود - ماده ۹ مدارس شخصی باید همچنان تابع پروگرام رسمی بوده مطابق النعل بالنعل از روی دستور دولتی مراتب خود را منظم و مقرر دارند .

ماده ۱۰ مدرسه که برخلاف پروگرام رفتار کند یا امتیازات اجرای پروگرام را نداشته باشد مورد مؤاخذه خواهد شد وزارت علوم حق دارد در آن مدرسه را ببندد و موسسین و مدیرین که قصد

تعلیمات خصوصی دارند باید پروگرام خودشان را بتصویب وزارت معارف برسانند .

**رئیس** - خوب در این قسمت اول رای میگیریم هر کس تصویب می کند قیام نماید .

(اغلب قیام نمودند و با کثرت پذیرفته شد)

**رئیس** - حال در قسمت دوم رای می گیریم اول خوانده شود (قرائت شد)

اطفالی که در منزل تحصیل می کنند تحصیلاتشان باید از روی پروگرام وزارت معارف باشد و الا اولیای اطال مسئول خواهند بود .

**رئیس** - هر کس این قسمت دوم از پیشنهاد آقای مؤتمن الملک را تصویب می کند قیام نماید (اغلب قیام نکردند)

**رئیس** - قسمت دوم رد شد .

**تقی زاده** - در تمام مسائلی که اختلافی است میشود رای گرفت و رای با کثرت حجت است ولی وقتی که در يك مسئله اشکالاتی بود مثلا آن اشکالات اساسی بود که اصلاً در این مسئله آیا میشود رای گرفت یا خیر آنوقت باید آن اشکل را اول رفع کرد بعد از آن رای گرفت لکن مادامیکه آن اشکل باقی است نمیشود اخذ رای کرد درجه رای میگیریم در چیزیکه معلوم نیست اخذ رای بشود کرد یا خیر آنچه آقای مؤتمن الملک پیشنهاد کردند در این نبوده اصلاً رای گرفت در قابلیت توجه آن بواسطه اینکه آن عین لایحه و طرح وزیر بود يك چیز تازه نبود که در آن بتوان رای گرفت و وزیر هم طرح خودش را پس نگرفته بود تا این طرح جدیدی باشد که بتوان در قابلیت توجه آن رای گرفت چیزیکه میشود در آن رای گرفت آنستیکه يك وکیل میدهد حالا این يك اشکل است يك اشکل بزرگی هم هست آن این است که اصلاً این مسئله مخالف با قانون اساسی است و نمیشود هر روز ما يك رای مخالف با قانون اساسی بدهیم و يك قانون مخالف قانون اساسی وضع کنیم و باین ترتیب روح آزادی را از خودمان بگیریم در قانون اساسی یکی از اصول آزادی که ب مردم داده شده است آزادی در تعلیم و تعلم است و این که ما میخواهیم معین کنیم که تمام مردم مجبور باشند بمل پروگرام دولتی مخالف با قانون اساسی است بعضی از آقایان فرمودند که در نظر شما مخالف با قانون اساسی است بدیهی است اگر در نظر دیگران هم مخالف نبود بنده این جا نمی آمدم در نظر بنده مخالف است لیکن اول باید رفع این مخالفت را کرد بنده راهم متقاعد کنید آنوقت رای بگیرید لکن مادامی که یک چنین مخالفی هست نمیشود رای گرفت ولو اکثریت مجلس هم رای بدهد رای اکثریت هم غلط است بنده تصور میکنم که این ترتیب در هیچ يك از ممالک متدینه مشروطه نیست که مردم مجبور باشند باینکه پروگرام دولتی تحصیل کنند تفاوتیکه در يك اداره مستبدانه مشروطه هست یکی همین است که در دولت مستبدانه مردم آزاد بتعلیم و تعلم نیستند و در دولت مشروطه در تعلیم و تعلم آزاد هستند معلوم است طایع بشری و استعدادهای مختلفه است در ما هم مختلف است بدیهی است وقتیکه طفلی را مجبور

کنند بيك رشته ويك ترتیب تصویبی که مخالف با میل و احساسات اوست او کدر میشود و نمیتواند فکر کند و آن هوش طبیعی که برای او خلق شده است اعمال کند آنطور فکر کند که طبیعت برای آنها گذاشته این همان است که آقای ذکاء الملک بسایک بیانی وافی فرمودند که ممکن است اشخاصی آراء صائبه داشته باشند و فکرهای خوب کرده باشند دولت با آنها نباید مخالفت نماید فقط چیزی که باید جلوگیری از یاره شارلاتانها نماید که آقای مؤتمن الملک بیان کردند آن مدارس دولتی است که در هر جا باید تأسیس بشود برای اینکه وقتی مثلاً در تهران بیست یا ۳۰ یا ۵۰ مدرسه دولتی تشکیل شد هیچ ضرر ندارد که چندین مدرسه ملی هم باشد در اینصورت بدیهی است که مدیران آن مدارس سعی میکنند باینکه مدارس آنها را مقابل مدارس دولتی طوری مرتب باشد که مردم بیایند بمدارس آنها و اگر غیر از این باشد که آراد در تعلیم و تعلم نباشند مملکت در جاده ترقی نخواهد افتاد اما اینکه بسایک صراحت و وضوح بیائیم اصل ۱۸ را از نظر بیندازیم و اصل ۱۹ را مخصوص قرار بدهیم این نمیشود درست باید اصول قوانین اساسی نظر کرد و دانست مطاب چیست میگویند در قوانین همیشه مستثنیات هست در همین اصل قانون اساسی هم راجع با آزادی تعلیم و تعلم يك استثناء قرار داده که میگوید مگر تعلیم و تعلم چیزی که مخالف با قانون شرع است دیگر هر قسم تعلیم و تعلم آزاد است و اینکه تعلیم و تعلم را راجع بترتیب آن بکنیم خلاف ظاهر است هیچ همچو قیدی ندارد مطلقاً تعلیم و تعلم آزاد است لکن در مقام محافظت از اینکه برخلاف قانون شرع تعلیم شود بگماهد نوشته شده که تمام مدارس در تحت مراقبت عالی وزارت علوم و معارف خواهد بود و بعقیده بنده بزرگتر فائده مشروطیت همین آزادی تعلیم و تعلم است که ما حالا میخواهیم از مردم بگیریم باین ترتیب عقاید نو نمیکند فقط چیزیکه جلوگیری از تمام مفاسدیکه آقایان تصور میکنند در آزادی تعلیم و تعلم حاصل میشود میکنند نیست که دخول در خدمات لایحه دولتی منوط بیداشتن دیپلم است و دادن دیپلم هم راجع بدولت است و نتیجه تحصیلات دخول در خدمات دولتی است در اینصورت بدیهی است مردم آن تحصیلاتی را خواهند کرد که دولت آنها را خواهد امتحان کرد و با آنها دیپلم داد مثلاً قدری فارسی دانستن و عربی و فرانسه و جغرافی و حساب لکن دیگر اینها را بچه ترتیب تحصیل کنند این با خود اوست در موقع گرفتن دیپلم ممکن است این علوم را امتحان بدهد بهر قسم که میخواهد تحصیل نماید پس اگر میخواهیم دارای مدارسی باشیم باید پول بدهیم بمعارف مثل اینکه اداره پست و تلگراف و غیره میدهم و اگر در این دو سه ساله بود چه وزارت علوم بيك کرور نرسد تصور نمیکنم ترقی لازمه را بنمائیم دیگر اینکه در صورتیکه بنده مخالفت این دو ماده را با قانون اساسی در حد بدهایت و وضوح میدانم همان قسم که آقای ذکاء الملک فرمودند نمیشود در آن رای گرفت و بعقیده بنده باید این بيك کمیسیون رجوع شود که اولاً مخالفت با قانون اساسی معین شود که این دو ماده دارند یا خیر در صورتیکه مخالفت دارد رد میشود و در صورتیکه مخالفت ندارد باقی میماند باری تا این که کمیسیون نرود نمیشود در آن رای گرفت باز تکرار میکنم این را

در آخر عرایض خودم که آزادیهاست که به مردم داده شده است آزادیهای معنوی در قانون اساسی مصرح است نمیشود مخالفت کرد و از مردم باین سهولتها گرفت .

**اسدالله میرزا** - بنده فرض میکنم پس از اخذ رای مطلب تمام شده ولی حالا که تمام نشده است بنده هم عرایض خودم را میکنم در واقع مطلب بسیار مهم است و خیلی باید دقت کرد که پس از رای دادن عیبی پیدا نشود در اینجا مذاکره شد که آیا این قانون مخالف با قانون اساسی است یا خیر و این خیلی مهم است در صورتیکه حل شد که این مسئله مخالفت با قانون اساسی ندارد آنوقت میشود در این داخل شد لکن مادامیکه این مسئله اساسی حل نشده است نمیشود داخل این مذاکره شد لکن بعقیده بنده مخالفت با قانون اساسی ندارد بجهت اینکه آنچه در قانون اساسی است که آزادی تعلیم و تعلم است درست است و مقصود در آن اصل این است که هر یک نفری هر چه میخواهد درس بگوید و هر یک نفری هر چه میخواهد درس بخواند فرضاً بکنفر میخواهد علم جفر تحصیل کند پیش بکنفر میرود و در خانه او تحصیل میکنند مختار است لکن وقتیکه بکلاس درس تاسیس شد آن تاسیس که راجع به تحصیل عمومی است در آنجا نمیشود فرضاً علم جفر تحصیل شود یا بخواند در پروگرامش داخل کند از طرف وزارت علوم پروگرام مدارس معین می شود که فرضاً حساب و جغرافی و فیزیک تدریس نمایند ترتیب تدریس با خود مدیر است غرض این است که آن آزادی که در قانون اساسی است راجع به اشخاص است و آنچه در قانون اساسی منوید تاسیس مدارس بخارج دولتی و ملی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود غرض از این قانون چیست همین است که پروگرام او را وزارت علوم باید تعیین نماید لکن یک چیز آقای مؤتمن الملک اظهار کردند که واقفاً خیلی جای تعجب و حیرت است اینک فرمودند اگر کسی در خانه اش تحصیل نماید یا اطالاش را وادار به تحصیل نماید آنهم باید در تحت پروگرام وزارت علوم باشد این خیلی غریب است هیچوقت دولت نمی تواند تفتیش در خانه های مردم نماید که چه تحصیل می کنند و آنها را مجبور بیک قسم تحصیل نماید اما در خصوص این ماده که تاسیس مدارس به مخارج دولتی و ملی در مدارس ملی بعضی اظهار کردند مقصود از مدارس که به مخارج دولتی و ملی افتتاح می شود نه این است که یک نفر مدرسه از کند بلکه چون فرق بین دولت و ملت نیست و در مملکت مشروطه دولت و ملت در واقع یکی است باین جهت نوشته اند دولتی و ملی و غرض همان مدارس است که دولت از پول ملت تشکیل میکند در اینصورت همان مدارس دولتی میشود و همان مدارس را دولت حق دارد که مجبور بعمل به پروگرام خودش نماید لکن بنده عرض می کنم این طور نیست مقصود همین مدارس است که افراد ملت از پول خودشان تاسیس میکنند یا از موقوفات یا وصیت میکنند که فلان قدر از مال من را صرف تاسیس مدرسه نمایند آن مدارس را هم دولت مجبور بعمل کردن پروگرام خودش نمینماید و آن مطالب در آمریکا خیلی شایع است و مخصوصاً نظر بنده هست که وقتی

این قانون را مینویسیم لفظ ملی نداشت فقط مدارس که به مخارج دولتی تاسیس میشود نوشته شده بود و گویا خود بنده اظهار کردم که لفظ ملتی نوشته شود بهمین ملاحظه که شاید مردم همراهی کنند با معارف و این لفظ را افزودند فرض این است که این دو ماده در نظر بنده مخالفت با قانون اساسی ندارد و اصل ۱۸ و ۱۹ قانون اساسی هم آن چه راجع به آزادی تعلیم و تعلم است راجع به اشخاص است لکن آنچه راجع به اجبار است در کتب تاسیسات است چه در مدارس که به مخارج دولت تاسیس شود یا مدارس که به مخارج ملت تاسیس شود حالا این اختلاف نظری است که حاصل شده حالا این همان قسم که فرمودند خوب است رجوع بیک کمیسیون شود که در آن کمیسیون رفع اختلاف شود که آیا موافق با قانون اساسی است یا مخالف با قانون اساسی است بنده که این دو ماده را مخالف نمی بینم لکن اگر همین قسم که بنده تصور می کنم که مخالف نیست آن کمیسیون هم همین قسم دانست آنوقت این یک صحبت دیگری است که بینیم مناسب مقتضیات مملکتی ما چیست آیا مقتضی این است که پروگرام مدارس را دولت بدهد یا اینکه آزاد باشد در مدارس که از پول اشخاص تاسیس می شود این یک مطلبی است که بعد از رفع این اختلاف باید صحبت شود آنهم معلوم است که مقصود از تاسیس مدارس ترقیات علمی عمومی است و بدیهی است وقتی که دولت یک پروگرامی وضع می کند این را یک نفر نخواهد نوشت از مردمان با اطلاع چه از آنها که در و دوائر معارف دارای شغلی هستند و چه از اشخاص عالم که در خارجند در یک جا جمع نموده با استشاره از آنها پس از تأملات بسیاری پروگرامی که بعد در عموم محصلین بخورد مینویسند و فائده حال عموم را ملاحظه میکنند ولی کسیکه یک پروگرام خصوصی مینویسد بدیهی است دارای این اندازه از ملاحظات اطراف نگر نیست بدیهی است دولتی که پروگرامی مینویسد غرضش این است که عموماً اشخاصیکه مطابق آن پروگرام رفتار نمایند بدرد عموم خواهند خورد و بنده اینجا از اهم مطالب در معارف میدانم که پروگرام تمام مدارس متحد باشد و عمده نظری که در این خصوص در همه جا حاصل شده این است که مثلاً طفلی در این محله تحصیل میکند پس از دو سال تحصیل آنوقت پدر و مادرش از این محله نقل مکان به محله دیگر میکنند معلوم است بملاحظه نزدیکی بمنزلش بمدرسه که در آن محله است میرود چون پروگرام این دو مدرسه یکی نیست باو میگویند باز باید باطابق اول برود که به ترتیب پروگرام آن مدرسه به کلاسهای بالا تر برسد در این صورت زحمات دو ساله این طفل بکلی از بین میرود ولی در صورتی که پروگرام مدارس متحد باشد آنوقت بهر طرف شهر در هر مدرسه که برود بهمان اطاعتی که بوده خواهد رفت یک مسئله که خیلی مهم است مسئله اخلاق است که بنده تصور میکنم اگر یک روزی مملکت ما باید ترقی کند از راه اخلاق میباید ترقی کند غرض این است که ترقی این مملکت بیشتر از راه اخلاق باید باشد و اخلاق در مدرسه کسب میشود و دولت باین مسئله خیلی

اهمیت خواهد داد و مدرسه که نه بیول دولت تشکیل شده به پروگرام دولت هم بنا شود رفتار میکند در این صورت دولت نمی تواند نظری در آن مدرسه داشته باشد که از راه اخلاق هم در آن مدرسه اهمیتی داده شود بالاخره در آخر عرض خودم عرض میکنم که اول آن مسئله مخالفت و عدم مخالفت چنانچه آقای تقی زاده فرمودند باید حل شود بعقیده بنده مخالفتی ندارد .

**وحید الملک** - تمام آقایان راپورت کمیسیون را ملاحظه فرموده اند که وزیر پیشنهاد خودش را پس نگرفته و اینکه ما رای بگیریم در اینکه فلان ماده از پیشنهاد وزیر در فلان جا باشد در قابلیت توجه آن نمی شود رای گرفت بجهت اینکه هر چه وزیر پیشنهاد کرده قابل توجه است و محتاج برای گرفتن در قابلیت توجه نیست بعقیده بنده این رای که گرفته شد بی محل بود دیگر اینکه این رای اینطور میفهماند که پیشنهاد وزیر را رد کرده باشیم در صورتیکه پیشنهاد وزیر را رد نکرده ایم .

**رئیس** - حالا مذاکره در این ماده کافی است [گفتند از برای حل آن اختلاف خوب است بکمیسیون معارف رجوع شود پذیرفته شد شروع بقرائت ماده سیم شده و تا ماده چهارم قرائت شد و پاره مذاکرات بعمل آمد بعد از طرف رئیس اجازه یک ربع تنفس داده شده مجلس متفرق شد مجدداً جلسه برپاست آقای مستشارالدوله تشکیل و راپورت کمیسیون فواید عامه راجع بامتیاز طلا شویی عراق قرائت و شروع بشود آخری در آن گردیده در ماده یک مذاکرات لازمه اخذ رای شده با اکثریت تصویب نگردید ثانیاً بقاضای آقای منتصر السلطان مخبر کمیسیون فواید عامه راپورت بکمیسیون معاونت نمود .

راپورت کمیسیون است و تفکرات راجع به پیشنهاد آقای حاج میرزا آقا در خصوص تخفیف اجرت حمل مراسلات در باب جرایم قرائت گردید .

(پیشنهاد حاج میرزا آقا)  
دو ماده یک ماده شود باینطور - اجرت پستی جرایم از نقطه بنقطه دیگر در داخله اهم از یک نمره یا بسته نصف قیمت معمولی دریافت شود کمیسیون این قسم اصلاح کرده بود .

ماده سه اجرت پستی یک نمره روزنامه مطلقاً در داخله یکشاهی است در این خصوص مذاکرات شده عده ای از آقایان نمایندگان تصویب کمیسیون را صلاح ندانسته بنا بر این مقرر شد ابتدا به پیشنهاد آقای حاج میرزا آقا رای گرفته شود

**رئیس** - رای بگیریم به پیشنهاد آقای حاج میرزا آقا هر کس تصویب میکند ورقه سفید خواهد انداخت (ورقه توزیع شد)

**آقای معاضد الملک** - عده حضار ۶۵ نفر ورقه سفید علامت قبول ۵۰ ورقه آبی علامت رد (۸) امتناع ۷

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد (آقایانیکه رد کردند)  
ده خدا . منتصر السلطان . وکیل الرایا

صدیق حضرت . طباطبائی - فهیم الملك - اسدالله میرزا . حسن علی خان ( آقایانی که تصویب کردند ) ممتاز الدوله . حاجی آقا . ارباب کیخسرو - متین السلطنه . آدینه محمد خان . حاجی فاتح الملك وزیرزاده . معتمد التجار . آقا شیخ علی . ابوالقاسم میرزا . وکیل التجار . شیبانی . آقا میرزا داود خان - دکتر علی نان . صدرالعلماء . آقا شیخ رضا . هشترودی . آقا سید جلیل - نجات تربیت . تقی زاده . حاجی میرزا آقا . کاشف . آقا شیخ ابراهیم زنجانی . آقا میرزا ابراهیم خان حاجی مصدق الممالک . سلیمان میرزا . مؤمن الملك . میرزا مرتضی قلی خان . مرتضی قلی خان سعادت . آقا سید حسین کزازی . آقا سید محمد رضا . دبیر الملك . ناصر الاسلام . محمد هاشم میرزا . حکیم الملك . آقا میرزا اسمعیل نویری آقا سید ابراهیم مدرسی . وحید الملك . حاجی شیخ علی خراسانی . اسدالله خان . عز الملك . معز الملك . معاضد الملك - آقای مستشار الدوله

رئیس - حال در کلیه قانون تخفیف مخابرات و مراسلات ارباب جرائد رای گرفته میشود اول بیت دفعه خوانده شود ( آقای میرزا مرتضی قلیخان کلبه را قرائت نمود )

رئیس - حال در کلیه این قانون بطوریکه خوانده شد رای گرفته میشود هر کس تصویب میکند ورقه سفید خواهد انداخت (ورقه توزیع شد) معاضد الملك - عده حضار ۶۰ ورقه سفید علامت قبول ۶۰

رئیس - بالا اتفاق تصویب شد ( اسامی رای دهندگان )

حاجی فاتح الملك . آدینه محمد خان . آقا شیخ علی شیرازی . آقا شیخ محمد . قوام الاسلام محمد هاشم میرزا . آقا شیخ اسمعیل هشترودی . نجات . مؤمن الملك . دبیر الملك . مرتضی قلی خان بختیاری . حسن علی خان . مصدق الممالک اسدالله میرزا . میرزا ابراهیم خان . دکتر اسمعیل خان . صدیق حضرت . ناصر الاسلام . منتصر السلطان . حاجی آقا . وکیل التجار . آقا سید ابراهیم . معاضد السلطنه . متین السلطنه - عز الملك ممتاز الدوله . وحید الملك . دهخدا . اسدالله خان طباطبائی . اردبیلی . ارباب کیخسرو . ذکاء الملك . میرزا اسمعیل نویری . ابوالقاسم میرزا فهیم الملك . آقا شیخ علی خراسانی . وزیرزاده معاضد الملك . معز الملك . میرزا مرتضی قلی خان . آقای مستشار الدوله . دکتر علی خان ادیب التجار . وکیل الرعایا . حاجی میرزا آقا آقا سید جلیل . میرزا داودخان - تربیت . معتمد التجار . آقا شیخ ابراهیم زنجانی . آقا سید حسین کزازی . تقی زاده . آقا شیخ رضا . حکیم الملك شیبانی . کاشف . سلیمان میرزا . صدر العلماء آقا شیخ محمد رضا

رأبورت شعبه چهارم راجع بنمایندگان مرستان قرائت شد بکمسیون تصدیق صحیح انتخاب نمایندگان آنجا را نموده بمجلس پیشنهاد کرد بود

رئیس - خوب در این باب که مخالفی نیست باید رای بگیریم .

وکیل الرعایا - اگر مذاکره میکنید بنده عرض دارم .

رئیس - اگر مخالف هستید مذاکره نمی شود .

وکیل الرعایا - بلی بنده مخالف این راپورت هستم .

رئیس - این راپورت طبع و توزیع میشود که در جلسه دیگر مطرح مذاکره شود .

حاجی آقا - بنده عرض میکنم کمسیون قوانین مالیه فعلا کاری ندارد اگر طرح قانونی راجع بنواقل بحری که بنده پیشنهاد کرده بودم از کمسیون مبتکرات خارج شده یعنی راپورت داده اند بکمسیون قوانین مالیه ارجاع شود برای این است که این یک منبع ثروتی است و هر قدر زودتر بگذرد بهتر است .

رئیس - دستور روز سه شنبه .

وکیل الرعایا - بنده بازمی خواهم از آقایان استدعا کنم که از هیئت رئیسه تناضا کنند که طرح قانونی بنده که بکمسیون قوانین مالیه رفته و راپورت داده شده است در دستور جلسه آتی منظور شود

رئیس - منظور می شود - دستور جلسه آتی شور اول در بقیه قانون اساسی معارف طرح قانونی آقای مؤمن الملك راجع بقانون شرکتهای راپورت کمسیون قوانین مالیه راجع بعمل روده طرح قانونی دکتر امیر خان در اخذ تومانی بکفران از مالیات وسائط نقلیه برای حفظ الصحه طرح قانونی راجع بقانون مالیات نواقل بحری .

وکیل الرعایا - بنده باز می خواهم استدعا کنم راپورت کمسیون قوانین مالیه بر قانون شرکتهای مقدم داشته شود .

رئیس - اینها که در دستور منظور شده چیزی نیست فقط دو مسئله اساسی است یکی قانون معارف دیگر مسئله روده باقی فقط خوانده می شود و در قابل توجه بودن آن رای گرفته می شود

نجات - بنده می خواستم عرض کنم فردا جلسه خصوصی خواهد بود یا خیر؟

رئیس - بلی آنطوریکه دیروز مذاکره شده است یک جلسه خواهد بود .

(رئیس - حرکت کرد و مجلس یکصاعت و ربع از شب گذشته ختم شد) .

**صورت مشروح مذاکرات روز سه شنبه ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵**  
مجلس تقریبا سه ساعت قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ممتاز الدوله نایب رئیس تشکیل شد .  
آقای معاضد الملك صورت جلسه قبل را قرائت نمودند .

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظه دارید؟  
وکیل الرعایا - کمان می کنم که آقایان فراموش نکرده باشند که در ختم مجلس قبل قرار

شد طرح روده مقدم بر سایر مطالب مطرح شود .  
نایب رئیس - ملاحظه دیگری در صورت مجلس هست؟ ( اظهاری نشد نایب رئیس صورت را امضاء نمود) .

آقای میرزا مرتضی قلیخان - تلگرافی است که از اردبیل رسیده قرائت می شود .  
(تلگراف مشعر بر تسلیم امیر هاشم و مغذولیت اشرا در قرائت شده)

آقای میرزا مرتضی قلیخان - اینهم تلگرافی است از آقایان و تجار بار فروش قرائت می شود تلگراف مشعر بر اینکه تجار و اعیان بار فروش پنجاه هزار تومان برای استقرار داخلی حاضر کرده اند تا چه وقت در نظر آید .

آقای میرزا اسمعیل نویری - چند روز قبل يك کمسیون در این باب تشکیل یافت که ترتیب استقرار داخلی و نظامنامه آنرا مرتب کنند و بمجلس پیشنهاد نمایند که تکلیف مردم معلوم شود از تمام ولایات مردم اصرار دارند و با حسیات وطن پرستانه خود را برای دانن وجه استقرار داخلی حاضر و اظهار نموده اند اینطور که ما مسامحه می کنیم و بتأخیر می اندازیم اسباب سردی مردم خواهد شد خوبست هر چه زودتر نظامنامه این استقرار را کمسیون مرتب کرده بمجلس راپورت بدهد که زودتر بگذرد

اسدالله میرزا - راپورت انشاءالله تا روز پنج شنبه تقدیم مجلس خواهد شد .

( راپورت کمسیون قوانین راجع بطرح آقای وکیل الرعایا در خصوص عمل روده قرائت شد) .

نایب رئیس - این طرح بمجلس پیشنهاد شده بود و در قابل توجه بودن وفوریت آن اخذ رای شده و قابل توجه شده و فوریت این هم تصویب شده است حال در کلیه مذاکره می شود آقایانی که در کلیات این طرح فرمایش دارند بفرمایند .

حاج آقا - در کلیات این کسی حرفی ندارد محمد هاشم میرزا - اینجا نوشته شده است هر قدر کوسفند ذبح می شود روده و کمپون و زه متصل آن متعلق بدولت است خوب بود این معین باشد بچه عنوان متعلق بدولت است بعنوان مالیات است یا بعنوان دیگر ( گفته شد این مطلب راجع بمواد است) .

وکیل الرعایا - برای اینکه شاید یکی در خاطرش حاضر نباشد عرض می کنم که جماعت قصاب که يك صنف بزرگی هستند در مملکت و حال آنکه مالیات هم اگر بگذاریم بر روی اینها از کبسه آنها نخواهد رفت بر قیمت گوشت افزوده می شود یا از قیمت آن کسی که کوسفند را میفروشد کم می شود ربطی بقصاب ندارد ولی چون کوسفند را فعلا خود او می فروشد از دست او گرفته می شود چه گمان می کنند که او مالک است و حال اینکه اشتباه است حالا باید بآنها گفت که صنف قصاب هم باید درمخارج مشترک که شرکت کند و در ضمن هم آقایان باید بدانند که این بمخارج محلی نخواهد رسید این جزعهایدات کلیه مملکتی است که بمخارج مملکت خواهد رسید و چون جماعت قصاب به هیچ اسم